

دکتر محمد اکبر منوچهریان

طرح قانون خانواده

بر مبنای اصل

تساوی حقوق زن و مرد

اعطائی

اعلی حضرت همایون

محمد رضا شاه پهلوی

به ملت ایران

از انتشارات

اتحادیه زنان حقوقدان ایران

طرح اصلاحی بعضی مواد قانون مدنی

و

نسخ ماده ۱۷۹ قانون جزا



مقدمه

ارشمیدس حکیم و ریاضی دان بزرگ یونانی میگوید اگر نقطه اتکائی خارج از سطح زمین داشتیم میتوانستیم زمین را با اهرمی از مدار خود خارج کنیم. فونتاند نویسنده قرن ۱۸ فرانسه در عالم خیال و تصور این نقطه اتکاء را یافته و زمین را با اهرم فکر بحرکت آورده است و خواننده کتاب خود را که بنام «بحثی در باره وحدت و کثرت عالم» است به شهرها و کشورهای مختلف جهان میبرد و او را با تمدن ها و آداب گوناگون هر قوم و قبیله آشنا میکند. غرض فونتاند آن است که خواننده قرن ۱۸ فرانسوی با تأمل و تدبیر در آداب ملل مختلف و آشنائی به فلسفه و علم و هنر هر ملتی به راز ترقی علمی پی برد و برای مشکلات کشور خود چاره ای بیندیشد .

گزارش سازمان ملل متحد در باره وضع حقوقی زن در جهان و استقرار اصل آزادی و برابری زن و مرد در ایران که به یمن همت شاهنشاه ایران از عالم آرزو به عرصه شهود و ظهور آمده است نگارنده را بر آن داشت که با اقتداء از نیت شهریار ایران و با توجه به اصل آزادی و برابری زن و مرد طرح قانون خانواده را فراهم آورد. آشنایان به جامعه شناسی و تحول جامعه های بشری خوب میدانند که از آغاز پیدایش بشر، نکاح و طلاق و حضانت و ولایت فرزند از مسائل مهم اجتماعی

بوده است و جامعه بشری از نظر طرز نکاح و منع نکاح با اقارب و یا جواز نکاح با اقارب از مراحل گذشته و بمرحله فعلی در جهان متمدن رسیده است . در حقوق یا عرف و عادت قبیله‌ای گاهی نکاح با زنان يك قبیله ممنوع است و هر قبیله ای باید از قبیله دیگر زن بگیرد و گاهی نکاح با اقارب جایز بوده است در ایران و عربستان قبل از اسلام نکاح بصورتی که در دوران اسلامی است وجود نداشته و یا اگر داشته چندان رائج نبوده است .

مصطفی مراغی صاحب تفسیر معروف مراغی در کتاب «التشریع الاسلامی لغیر المسلمین» میگوید : «شریعت اسلامی بر پایه رفق و مدارا استوار است احکام قرآن یکبار نازل نشده است . در جاهلیت یعنی قبل از اسلام نکاح چهار گونه بوده است . یکی از آنها همین نکاح امروز مردمان است که مردی دختر یا مولی علیهای مرد دیگر را خواستگاری میکند و با دادن مهر او را بزنی میگیرد و نکاح دیگر آن بود که مردی زن خود را در طهر نزد مردی بزرگوار و معروف میفرستاد و بدو میگفت از او فرزندی بیاورد و شوهر تا هنگام زادن از زن خود دوری میکرد . این نکاح را نکاح استبضاع میگفتند و غرض آن بود که فرزندی بزرگوار از آن بوجود آید و نکاح سوم چنین بود که قبیله‌ای با زنی بسر میبرد و چون زن فرزندی میآورد افراد آن قبیله را فرا میخواند و از میان آنان یکی را به پدری فرزند خود بر میگزید و او هم چاره‌ای جز قبول نداشت . نکاح چهارم آن بود که مردان با زنانی که بر فراز خانه آنان بیرقی برافراشته بود بسر میبردند و چون فرزندی دیده به جهان میگشود قیافه شناسان میآمدند و پدر آن فرزند را معین میکردند و آن پدر ناگزیر از پذیرفتن نسبت آن فرزند بود تا اینکه حضرت محمد ص مبعوث شد و این نکاح ها را بر انداخت و نکاح نوع اول را تنفیذ فرمود » .

نگارنده برای تتبع در احوال فعلی ملل متمدن و نیمه متمدن بهترین راه را آن دید که گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد را ترجمه کند. این گزارش وضع حقوقی زن را مانند همان نقطه اتکاء و نتایج در همه کشورهای جهان نشان می‌دهد و با توجه بدین گزارش است که ما موادی از قانون مدنی را که با اصل برابری زن و مرد مغایرت داشته اصلاح و ماده ۱۷۹ قانون جزا را نیز که با اصل برابری زن و مرد و حاکمیت قانون منافات داشته است نسخ کرده ایم. حوائج و مقتضیات فعلی کشور ما بیش از همه راه نما و ملهم ما بوده است و اگر سیری در آفاق و انفس کرده ایم از این نکته هیچ غافل نبوده ایم که ما در ایران بسر می‌بریم. اگر علم در همه جهان یکسان باشد و قوانین فیزیک و شیمی و ریاضی را بدون توجه بدزمان و مکان بتوان در همه جا بکار بست قوانین اجتماعی از این قاعده مستثنی است. علمای جامعه شناسی بر آنند که قانون هر جامعه زاده محیط اقتصادی و طبیعی و کیفیات نفسانی همان جامعه است. طبیعت انسانی طبیعتی جامد و منفعل نیست انسان قدرتی خلاق دارد که میتواند در طبیعت تصرف کند و تاحدی آنرا بدلخواه خود بسازد و بهمین علت قانونی که بر طبع بشر حاکم است با قانون طبیعت بیجان تفاوت دارد و هر ناحیه و کشوری نیز از نظر اجتماعی قانونی خاص خود میخواهد. ما بدین نکته کاملاً واقفیم که قانون باید مولود حوائج جامعه باشد و قانونی که از عالم خیال پایه و مایه بگیرد بکار جامعه نمی‌آید. اگر ما در طرح خود پیشنهادها می‌کنیم که بدیع بنظر می‌آید یا در جایی از قانون کشورهای دیگر تقلید کرده ایم از آنست که آن کشورها با این مشکلات روبرو شده‌اند و برای آن مشکلات چاره‌ای یافته‌اند که آن چاره با مقتضیات کشور ما سازگار مینماید و از همین روی ما نیز آن چاره را پیشنهاد کرده ایم.

همین^۴ نکاح جاهلیت را کشورهای نظیر سوئد و آمریکا پذیرفته‌اند در سوئد و ایالت نیویورک اگر چندین مرد با زنی رابطه داشته باشند وزن فرزندی بیاورد همه مردان باید نفقه این فرزند را بپردازند مشکل اجتماعی دیگر که ما با آن رو برو هستیم انداختن جنین است در بسیاری از کشورها انداختن جنین در شرایطی مجاز است و در ایران و شوروی و انگلستان و آمریکا و فرانسه هنگامی انداختن جنین مجاز است که حیات مادر در خطر باشد در چکسلواکی گذشته از این شرط بشرایط اقتصادی خانواده و مصلحت جامعه نیز توجه شده است و م.ا. قانون چکسلواکی را در این مورد پیشنهاد کرده‌ایم.

طرح قانون خانواده ما با آنکه بدیع و انقلابی بنظر می‌آید باید با کمال فروتنی گفت که هیچ پیشنهادی در آن نیست که با قانون مدنی سازگار نباشد آنچه قانون مدنی ما مجاز میداند ما نیز آنرا مجاز دانسته‌ایم.

چنانکه میدانیم علمای حقوق احکام قانون را به تفسیری و امری تقسیم میکنند قانون تفسیری آنست که پیروان قانون بتوانند مغایر آن تصمیمی بگیرند. مثلاً در اجاره اگر ذکر از سلب حق انتقال مستاجر نشود فرض قانون بر اینست که مستاجر حق انتقال دارد و یا در ارث پسر دو برابر دختر میبرد ولی مورث میتواند در زمان حیات مطابق مواد قانون مدنی چنان در اموال خود تصرف کند که پسر و دختر پس از وی یکسان ارث ببرند آنکه اضافه سهم دختر را بموجب هبه یا وصیت بوی ببخشد. قانون امری آنست که اراده پیروان آن قانون هیچ تغییری در آن نمیتواند داد. موانع نکاح قانون امری است. با هیچ تدبیر و اراده‌ای زن یا مرد نمیتواند موانع نکاح را از میان بردارد. ولی مرد میتواند تعهد کند که هر طلاق که میدهد بائن باشد و در عده رجوع نکند و یا زن

میتواند هنگام نکاح از مرد وکالت به‌لاعزل بگیرد که خود را به طلاق خلع مطلقه کند .

در طرح قانون خانواده احکام امری قانون مدنی یعنی موانع نکاح مطلقاً تغییری نیافته است، برای آنکه بدخواهان زبان به تعنت ما نگشایند و ما را حلال کننده حرام و حرام کننده حلال ندانند باز میگوئیم و مکرر میکنیم که در طرح قانون خانواده هیچیک از احکام موانع نکاح تغییری نیافته است و آنچه ما تغییر داده‌ایم همانست که در همین متن قانون مدنی پیرواین قانون میتوانسته است آنرا تغییر دهد . مرد میتواند به پسران خود توصیه کند که با خواهران خود به يك اندازه ارث ببرند و اگر پسران این وصیت را (ثالثت) بکارنهند قانون مدنی عمل آنان را باطل میکند . مرد میتواند بیش از ثلث وصیت کند و اگر وارث این وصیت را تنفیذ کند قانون مدنی آنرا معتبر می‌شناسد . تغییرات و پیشنهادهای ما فقط ناظر باین دسته از قوانین است و چون ما معتقدیم که قوه قانونگذاری به وکالت از طرف ملت میتواند افراد يك کشور را ارشاد کند و تفسیر و تاویل اراده آنان را بعهده بگیرد اینست که این طرح را به قوه قانونگذاری پیشنهاد میکنیم و با پیشنهاد آن امیدواریم بزن ایرانی و به جامعه ایرانی خدمتی کرده باشیم و این طرح اگر بصورت قانون درآید بتواند بسیاری از آلام زن ایرانی و فرزند او را تسکین دهد و اگر در این زمینه توفیقی بیابیم این توفیق را مرهون طینت خجسته و همت والای شهرداری هستیم که منادی عالم حقیقت و آزادی و برابری در این جهان خاکی است .

کلیات

زن و مرد در حقوق مدنی و جزا و سیاسی و اجتماعی با یکدیگر برابرند و کلیه اختلافاتی که در زندگی زناشویی پیش می‌آید و در این قانون مقرراتی برای آن در نظر گرفته نشده است محاکم باید مطابق اصل برابری زن و مرد با توجه به ماده ۳ قانون دادرسی مدنی آنها را فیصله دهند .

فصل سوم

در شرایط و جمله مواع ارث

ماده ۸۷۸ اصلاحی- هرگاه در حین موت مورث حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود مانع از ارث تمام یا بعضی از وراثت دیگر میگردد تقسیم ارث بعمل نمیآید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچیک از سایر وراثت نباشد و آنها بخواهند ترکه را تقسیم کنند باید برای حمل حصه که مساوی حصه دو وارث از همان طبقه باشد کنار گذارند و حصه هر يك از وراثت مراعات است تا حال حمل معلوم شود .

ماده ۸۸۲ - نسخ میشود .

ماده ۸۸۳ - نسخ میشود .

ماده ۸۸۴ - نسخ میشود .

فصل چهارم

در حجب

ماده ۸۸۶ مکرر - در صورتیکه در طبقه ای از وراثت وارثی قبل از مورث فوت شده باشد اولاد او به قائم مقامی آن وارث ارث میبرد .

ماده ۸۸۷ اصلاحی - حجب بر دو قسم است :

قسم اول آنست که وارث از اصل ارث محروم میگردد مثل برادرزاده‌ای که بواسطه زنده بودن برادر متوفی (یعنی پدر خود) از ارث محروم میشود .
قسم دوم آنست که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل میگردد مثل تنزل حصه هر يك از زوجین از نصف به ربع در صورتیکه برای مورث اولاد باشد و تنزل حصه مادر و پدر از سدس به ثمن در صورتیکه برای مورث اولاد باشد .

ماده ۸۸۸ اصلاحی - ضابطه حجب از اصل ارث رعایت اقربیت به میت است بنا بر این هر طبقه‌ای از وراث طبقه بعد را از ارث محروم میکند مگر در موردی که وارث دورتر بتواند به سمت قائم مقامی ارث ببرد که در اینصورت هر دو ارث میبرند .

ماده ۸۸۹ اصلاحی - در بین وراث طبقه اولی اگر برای میت اولادی نباشد اولاد اولاد او هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده و با هر يك از ابوین که زنده باشند ارث میبرند .

ماده ۸۹۰ اصلاحی - در بین وراث طبقه دوم اگر برای متوفی برادر یا خواهری نباشد اولاد اخوه هر قدر که پائین بروند قائم مقام پدر یا مادر خود بوده با هر يك از اجداد متوفی که زنده باشد ارث میبرد .

مفاد این ماده در مورد وراث طبقه سوم نیز مجری میباشد .

ماده ۸۹۱ اصلاحی - وراث ذیل حاجب از ارث ندارند .

مادر و پدر و فرزندان و زوجین .

ماده ۸۹۲ اصلاحی - حجب از بعضی فرض در مورد ذیل است

وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد در اینصورت زوج یا زوجه از بردن بیش از يك ربع محروم میشود همچنین پدر و مادر از بردن بیش از يك ثمن محروم میشوند.

فصل پنجم

در فرض و صاحبان فرض

- ماده ۸۹۵ اصلاحی - سهام معینه که فرض نامیده میشود عبارتست از: نصف
- ربع - سدس و ثمن .
- ماده ۸۹۶ اصلاحی - اشخاصی که بفرض ارث میبرند عبارتند از : زوج و
زوجه و مادر و پدر .
- ماده ۸۹۷ اصلاحی - اشخاصی که گاهی بفرض و گاهی به قرابت ارث
میبرند عبارتند از مادر و پدر .
- ماده ۸۹۹ اصلاحی - فرض هر يك از زن و شوهر نصف تر که است در
صورت نبودن اولاد یا اولاد اولاد برای مورث اگر چه از شوهر یا زن دیگر باشد
- ماده ۹۰۰ اصلاحی - فرض هر يك از زوجین ربع تر که است در صورت
بودن اولاد یا اولاد اولاد برای مورث اگر چه از شوهر یا زن دیگر باشد.
- ماده ۹۰۱ اصلاحی - سدس فرض هر يك از پدر و مادر است در صورتیکه برای
میت اولاد یا اولاد اولاد نباشد .
- ماده ۹۰۲ اصلاحی - ثمن فرض هر يك از مادر و پدر است در صورتیکه
برای میت اولاد یا اولاد اولاد نباشد .
- ماده ۹۰۳ و ۹۰۴ نسخ میشود .
- ماده ۹۰۵ اصلاحی - از تر که میت هر صاحب فرض حصه خود را میبرد
و بقیه بصاحبان قرابت میرسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب
فرض در درجه نباشد باقی بصاحب فرض رد میشود. مگر در مورد زوج و زوجه که بآنها
رد نمیشود لیکن اگر برای میت وارثی بغیر از زوج یا زوجه نباشد زائد از فریضه
به زوج یا زوجه رد میشود .

فصل ششم

در سهم الارث طبقات مختلف وراث

مبحث اول

در سهم الارث طبقه اولی

ماده ۹۰۶ اصلاحی - اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر يك از پدر و مادر در صورت انفراد تمام ارث را میبرد و اگر مادر و پدر میت هر دو زنده باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۹۰۷ اصلاحی - اگر متوفی ابوین نداشته و يك یا چند اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد تر که بطریق ذیل تقسیم میشود :

اگر اولاد منحصر به یکی باشد تمام تر که باو میرسد .

اگر اولاد متعدد باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۹۰۸ اصلاحی - هر گاه پدر یا مادر متوفی یا هر دوی آنها موجود باشند با يك یا چند اولاد یا اولاد اولاد هر يك از ابوین ثمن تر که را میبرد و مابقی باید بین وراث طبق ماده ۹۰۷ اصلاحی تقسیم شود .

مواد ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ نسخ میشود .

ماده ۹۱۲ اصلاحی - اولاد اولاد تا هر درجه ای که پائین بروند بطریق مذکور در مواد فوق ارث میبرند .

ماده ۹۱۳ اصلاحی - در تمام صور مذکور در این مبحث هر يك از زوجین که زنده باشد فرض خود را میبرد و این فرض عبارتست از نصف اصل تر که برای هر يك از زوجین در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و ربع تر که برای هر يك از زوجین در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد و مابقی تر که

برطبق مقررات مواد قبل مابین وراثت تقسیم میشود .
مواد ۹۱۴ و ۹۱۵ نسخ میشود .

مبحث دوم

در سهم الارث طبقه دوم

ماده ۹۱۷ اصلاحی - هر يك از وراثت طبقه دوم اگر تنها باشد تمام ارث را میبرد و اگر وراثت متعدد باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود .
مواد ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ نسخ میشود .

ماده ۹۲۳ اصلاحی - هر گاه ورثه جد یا جده تنها باشد تمام تر که باو تعلق میگیرد اگر اجداد و جدات مختلف باشند تر که بین آنها بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۹۲۴ اصلاحی - هر گاه میت اجداد و جدات و اخوه یا اولاد اخوه باهم داشته باشد هر يك از اجداد و جدات يك ثمن تر که را میبرد و مابقی بین سایر وراثت بالسویه تقسیم میشود .

ماده ۹۲۵ اصلاحی - در تمام صور مذکور در مواد فوق اگر برای میت اخوه نباشد اولاد اخوه هر قدر که پائین روند با اجداد ارث میبرند .
ماده ۹۲۶ نسخ میشود .

ماده ۹۲۷ اصلاحی - در تمام صور مذکور در این مبحث هر يك از زوجین که باشد فرض خود را از اصل تر که میبرد و این فرض عبارت است از نصف اصل تر که برای هر يك از زوجین .

هر گاه بواسطه ورود زوج یا زوجه نقصی موجود کرده نقص بر اجداد و جدات وارد میشود .

مبحث سوم

سهم الارث وراث طبقه سوم

ماده ۹۲۹ اصلاحی - هر يك از وراث طبقه سوم اگر تنها باشد تمام ارث را ميبرد و اگر وراث متعدد باشند تر كه بين آنها بالسويه تقسيم ميشود .

مواد ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ نسخ ميشود.

ماده ۹۳۸ اصلاحی - در تمام موارد مذکور در اين مبحث هر يك از زوجين كه باشد فرض خود را از اصل تر كه ميبرد و اين فرض عبارتست از نصف اصل تر كه براي هر يك از زوجين .

مواد ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹

نسخ ميشود .

اصلاح بعضی از مواد

جلد دوم قانون مدنی

کتاب اول - در کلیات

۹۶۳ اصلاحی- اگر زوجین تبعه يك دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین کشور متوقف فیها خواهد بود.

کتاب دوم - در تابعیت

بند ۶ از ماده ۹۷۶ نسخ میشود.

ماده ۹۸۴ اصلاحی- زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبعه دولت ایران شناخته میشوند ولی اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام میتوانند اظهاریه کتبی بوزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق پدر یا مادر را قبول کنند لیکن اظهاریه آنها باید با تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ همین قانون همراه باشد.

ماده ۹۸۶ اصلاحی- زن غیر ایرانی که با مرد ایرانی ازدواج نموده و با تقاضای خود تابعیت ایران را تحصیل کرده است میتواند بعد از طلاق یا فوت شوهر

ایرانی بتابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر متوفای ایرانی خود اولاد دارد نمیتواند مادام که اولاد او بسن هیجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه میشود حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هر گاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز بوده است یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد با و برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یادداشتن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت با و داده خواهد شد.

ماده ۹۸۷ اصلاحی - زن ایرانی که باتبعه خارجه مزاجت مینماید بتابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر بواسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود یا باتقاضای خود تابعیت دولت متبوع شوهر را تحصیل کرده باشد که در این صورت از تابعیت ایران خارج خواهد شد ولی در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف تقدیم درخواست بوزارت امور خارجه بانضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیارات راجع بآن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۱ (ماده ۹۸۷) نسخ می شود.

کتاب سوم - در اسناد سجل احوال

ماده ۹۹۳ اصلاحی - امور ذیل باید در ظرف مدت و بطریقی که بموجب قوانین یا نظامات مخصوص مقرر است بدایره سجل احوال اطلاع داده شود.

۱ - ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود.

۲- ازدواج

۳- طلاق

۴- وفات هر شخصی

ماده ۹۹۴ اصلاحی- حکم فوت فرضی غایب که بر طبق مقررات کتاب پنجم از جلد دوم این قانون (که مواد ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ آن نسخ شده) صادر می شود باید در دفتر سجل احوال ثبت شود

کتاب چهارم - در اقامتگاه

ماده ۱۰۰۵ اصلاحی- اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است ولی زن می تواند اقامتگاه شخصی علی حده نیز داشته باشد.

کتاب پنجم - در غایب مفقود الاثر

مواد ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ نسخ میشود

کتاب هفتم- در نکاح و طلاق

کلیات

الف- خانواده تشکیل میشود از زن و شوهر و فرزندان آنها.

ب- نکاح بیش از يك نوع نیست و آنها دائم است

ج- هیچکس نمیتواند در آن واحد بیش از یک زن داشته باشد

تبصره - این قانون ناظر بگذشته نیست و از تاریخ اجراء معتبر است

فصل دوم

قابلیت برای ازدواج

مواد ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ نسخ میشود

فصل سوم در موانع نکاح

مواد ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ و ۱۰۵۲ و ۱۰۵۸ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ نسخ می‌شود

ماده ۱۰۶۱ اصلاحی - دولت می‌تواند از دواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با کسی که تبعه خارجه باشد موکول با اجازه مخصوص نماید

فصل چهارم شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲ اصلاحی - نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول؛ وقوع نکاح محتاج به الفاظی خاص نیست •

اعمال و رفتار زن و مرد نیز میتواند حاکی از وقوع نکاح باشد •
ماده ۱۰۶۲ مکرر - محکمه در رسیدگی بدعوی نکاح اگر اعمال و رفتار طرفین را حاکی از قصد نکاح تشخیص دهد و مانعی هم برای نکاح آندو نباشد باید بر وقوع نکاح حکم دهد •

ماده ۱۰۶۹ اصلاحی - شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است

ماده ۱۰۷۰ مکرر - رسیدگی بدعوی ناشی از اکراه در نکاح بامحاکم عمومی است •

فصل پنجم وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۲ اصلاحی - در صورتیکه وکالت بطور اطلاق داده‌شود و کیل نمیتواند موکل را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً باو داده شده باشد •

فصل ششم

مواد ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ نسخ میشود .

فصل هفتم

در مهر

مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ نسخ میشود .

فصل هشتم

در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر

ماده ۱۱۰۵ - نسخ میشود .

ماده ۱۱۰۶ اصلاحی - نفقه زن بعهده شوهر است .

ماده ۱۱۰۹ اصلاحی

۱ - در صورتی که زن در آمدی نداشته باشد و علت طلاق هم از او ناشی نباشد مادام که شوهر نکرده است يك چهارم در آمد شوهر سابق به او تعلق میگیرد و حقوق بازنشستگی یا حقوق وظیفه شوهر سابق نیز مشمول همین حکم است .

۲ - مردانی که قبل از اجرای این قانون زن خود را طلاق داده اند و علت طلاق ناشی از زن نبوده و زن در آمدی هم ندارد باید يك پنجم در آمد ماهیانه خود را (مادام که زن شوهر نکرده است) به وی بدهند و همین حکم در مورد حقوق بازنشستگی و حقوق وظیفه آنان نیز جاری است .

ماده ۱۱۱۰ اصلاحی - در عده وفات زن در صورتی مستحق نفقه است که خود در آمدی نداشته باشد همچنین است در صورت حمل از شوهر که تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت ولو از خود در آمدی داشته باشد .

ماده ۱۱۱۳ نسخ میشود .

ماده ۱۱۱۴ اصلاحی - زن در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی

مینماید و خود نیز میتواند اقامتگاهی مستقل داشته باشد .

ماده ۱۱۱۵ اصلاحی - اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا روحی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه هر يك از ضررهای مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشت بمنزل شوهر معذور است نفقه او بر عهده شوهر است هر چند خود مستقلا در آمدی داشته باشد .

ماده ۱۱۱۶ نسخ میشود

ماده ۱۱۱۷ اصلاحی - زن مستقلا میتواند در خارج از خانه کار کند .
ماده ۱۱۱۷ مکرر - کار زن در خانه مانند کار خارج از خانه دارای ارزش است .

ماده ۱۱۱۸ اصلاحی

۱ - اموال قبل از نکاح و اموالی که بموجب ارث یا وصیت یا هبه بهر يك از زوجین برسد دارائی اختصاصی آنانرا تشکیل میدهد .
۲ - هر يك از زوجین میتوانند در دارائی اختصاصی خود هر تصرفی که میخواهند بکنند .

ماده ۱۱۱۸ مکرر

۱ - دارائی مربوط به دوران نکاح اعم از منقول و غیر منقول بین زن و شوهر مشترك است ، و انتقال یا رهن تمام یا قسمتی از این دارائی مشترك از طرف هر يك از زوجین بدون رضای دیگری باطل است .
۲ - اداره اموال مشترك خانواده بازوجین است .

ماده ۱۱۱۹ اصلاحی

۱ - در صورتی که نکاح بوسیله طلاق منحل شود دارائی مشترك خانواده بین زوجین بالسویه تقسیم میشود و اگر انحلال به علت فوت یکی از زوجین باشد زوج باز مانده نصف دارائی مشترك را به عنوان سهم شرکت خود از آن

دارائی میبرد و بقیه بین وراث متوفی که زوج باز مانده هم جزء آنسان است (طبق مقررات همین قانون) تقسیم میشود .

۲ - در صورت فوت هر يك از زوجین زوج باز مانده فرض خود را از دارائی اختصاصی زوج متوفی میبرد و بقیه بین سایر وراث متوفی تقسیم میشود .

باب دوم

در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۰ اصلاحی - عقد نکاح به فسخ یا بطلاق یا مـرک یکی از زوجین منحل میشود .

فصل اول

در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۲ اصلاحی - عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

- ۱ - ناتوانی جنسی که به تصدیق پزشك غیر قابل علاج باشد یا مرد در مدتی که دادگاه معین میکند معالجه نکند .
- ۲ - خصی .

- ۳ - مقطوع بودن آلت تناسل .

ماده ۱۱۲۳ اصلاحی - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود :

- ۱ - قرن .
- ۲ - افشاء .

ماده ۱۱۲۵ اصلاحی - جنون در زن و مرد و ناتوانی جنسی در مرد هر گاه بعد از عقد هم حادث شود موجب حق فسخ خواهد بود .

ماده ۱۱۲۹ اصلاحی - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او بدادن نفقه زن میتواند برای طلاق به محکمه رجوع کند

همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه در مورد زنی که در آمد شخصی نداشته باشد .

ماده ۱۱۳۰ اصلاحی - فسخ نکاح هنگامی نیز مقدور است که یکی از طرفین دیگری را فریبی داده باشد که بدون آن فریب نکاح واقع نمیشده است .
ماده ۱۱۳۲ مکرر - ابطال نکاح در موردی است که از شرائط اساسی عقد نکاح تخلف شود .

فصل دوم در طلاق مبحث اول در کلیات

ماده ۱۱۳۳ اصلاحی - طلاق فقط بموجب حکم محکمه صورت میگیرد و علل طلاق منحصر آ عبارتست از :

- ۱ - زنا .
- ۲ - امراض روحی غیر قابل علاج .
- ۳ - عدم توافق اخلاقی یا آزار جسمی .
- ۴ - امراض ساری .
- ۵ - عقیم بودن تا ۱۵ سال از تاریخ نکاح .
- ۶ - غیبت بدون خبر تا شش ماه .
- ۷ - استنکاف شوهر از دادن نفقه .

ماده ۱۱۳۴ اصلاحی - هر يك از زن و شوهر میتواند دادخواست طلاق به محکمه تقدیم کند و محکمه در صورتیکه دلیل متقاضی را معتبر و موجه بداند

حکم طلاق صادر میکند .

ماده ۱۱۳۴ مکرر - اتباع خارجی و اقلیت های مذهبی مقیم ایران از حیث موانع و شرائط و احکام نکاح تابع مذهب یا قانون کشور خود هستند ولی در مورد طلاق افراد اقلیتهای مذهبی یا اتباع خارجی در ایران باید به محکمه رجوع کنند و محکمه مطابق قواعد کشور یا مذهب آنان به دعوی طلاق رسیدگی خواهد کرد و اگر طلاق در قانون آنان به اختیار مرد باشد مطابق این قانون به دعوی طلاق آنان رسیدگی خواهد شد .

ماده ۱۱۳۵ اصلاحی - هر طلاقى بائن است و رجوع با عقد مجدد صورت میگیرد و يك مرد با يك زن بیش از سه بار نمیتواند نکاح کند .
مواد ۱۱۳۶ تا ۱۱۴۲ نسخ میشود .

مبحث دوم

در اقسام طلاق

مواد ۱۱۴۳ تا ۱۱۴۹ نسخ میشود .

مبحث سوم

در عده

ماده ۱۱۵۲ اصلاحی - عده فسخ نکاح در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن باقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است .
ماده ۱۱۵۳ اصلاحی - عده طلاق و فسخ نکاح در مورد زن حامله تا وضع حمل است .

ماده ۱۱۵۴ اصلاحی - عده وفات چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا

مدت هده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.
مرد نیز تا چهار ماه و ده روز پس از فوت زن حق نکاح ندارد.
ماده ۱۱۵۶ نسخ میشود.

کتاب هشتم در اولاد

ماده ۱۱۵۸ مکرر - فرزند قانونی کسی است که زوجین نسبت او را بخود قبول دارند .

ماده ۱۱۶۰ مکرر - اسقاط جنین در سه مورد مجاز است : ۱- وقتی که جنین ناشی از کره باشد ۱- وقتی که سلامت مادر در خطر باشد ۳ - وقتی که بتشخیص دادسرا دلائلی خاص لزوم آنرا تجویز کند .

ماده ۱۱۶۶ مکرر - در دعوی نسب همینکه بر محکمه نسب طبیعی فرزند به مادر یا پدر ثابت شود باید مادریا پدر طبیعی را به تادیبه نفقه و مخارج تعلیم و تربیت وی ملزم کند و برای احراز نسب طبیعی کلیه دلائل دعوی قابل استناد است .

اگر ثابت شود که هنگام قبول نطفه زن با چند مرد رابطه داشته است کلیه آن مردان با مادر متساویاً به تادیبه نفقه و مخارج تعلیم و تربیت طفل ملزم هستند .

تبصره ۱ - فرزند طبیعی اگر وارث منحصر باشد تمام ماترک پدر و مادر خود را ببارث میبرد .

۲ - اگر فرزند طبیعی با فرزند مشروع جمع شود فرزند طبیعی به نسبت يك پنجم فرزند مشروع ارث میبرد .

۳ - اگر مورث يك یا چند فرزند طبیعی و وراثی غیر از فرزند مشروع داشته باشد فرزند طبیعی حکم فرزند مشروع را دارد .

۴ - پدر و مادر طبیعی در صورتی از فرزند طبیعی ارث میبرند که فرزند طبیعی خود فرزندی نداشته باشد.

ماده ۱۱۶۷ اصلاحی - طفل در هر حال به مادر منسوب میشود ولی اگر مادر مکره بوده است نفقه آن طفل تماماً به عهده پدر طبیعی است و طفل فقط از او ارث میبرد

ماده ۱۱۶۷ مکرر - در فرزند خواندگی .

۱ - فرزند خواندگی آنست که زن و شوهر که پانزده سال از نکاح آندو گذشته و صاحب فرزند نشده اند بتوانند طفل یا اطفالی را بفرزندی بپذیرند .
۲ - فرزند خواندگی باید باریضای ولی فرزند (یا اداره سرپرستی در مورد اطفال بدون ولی) وزن و شوهر باشد .

۳ - فرزند خواندگی بموجب عقد رسمی صورت میگیرد و پس از امضاء سند پدر و مادر حقیقی (یا اداره سرپرستی یا موسسه ای که طفل را واگذار کرده) دیگر ولایتی بر طفل ندارند ولی حرمت نکاح بین این طفل و اقارب حقیقی او وجود دارد .
۴ - نفقه فرزند خوانده بر عهده پدر خوانده است ولی هر گاه پدر خوانده از عهده نفقه فرزند خوانده بر نیاید پدر حقیقی در صورت تمکن باید نفقه او را بپردازد .
۵ - فرزند خواندگی نسبت به زن و شوهر فرزند خوانده از لحاظ ارث و موانع نکاح همان آثار فرزندی حقیقی را دارد .

باب دوم

در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۹ اصلاحی - مادر و پدر متساویا حق حضانت طفل و ولایت بر او را دارند و هر جا اختلافی در این مورد پیش آید محکمه هریک از آندو یا شخص ثالث یا موسسه ای را که طفل باید نزد وی بماند معین خواهد کرد و در هر صورت نفقه و مخارج تعلیم و تربیت طفل با پدر است .

ماده ۱۱۶۹ مکرر - نفقه و مخارج تعلیم و تربیت فرزند نامشروع بمهره پدر و مادر طبیعی اوست .

ماده ۱۱۷۰ اصلاحی - هنگام صدور حکم طلاق محکمه حضانت طفل را بهریک از مادر و پدر یا شخص یا موسسه‌ای که صلاح بدانند واگذار میکنند و این واگذاری باید با کلیه شرایط و مشخصات آن در حکم طلاق قید شود در هر صورت نفقه و مخارج تعلیم و تربیت طفل با پدر است .

ماده ۱۱۷۱ اصلاحی - در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود .

ماده ۱۱۷۳ اصلاحی - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی یا روحی یا تعلیم و تربیت طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای دادستان یا بتقاضای موسسات رسمی غیر دولتی حمایت یا هدایت کودک را هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند .

ماده ۱۱۷۸ اصلاحی - ابوین مکلف هستند که بتعلیم و تربیت اطفال خویش اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند . در این مورد مدعی مخصوصی اقربای طفل یا دادستان یا موسسات دولتی یا غیر دولتی حمایت یا هدایت کودک را دارند .

ماده ۱۱۷۸ مکرر - در صورتیکه ابوین تعلیم و تربیت اطفال خود را مهمل بگذارند دولت به هزینه آنها تعلیم و تربیت اطفال را به عهده خواهد گرفت .
ماده ۱۱۷۹ اصلاحی - ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی باستناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه نمایند و تنبیه نباید با آزار جسمی همراه باشد .

باب سوم

در ولایت قهری پدر و مادر

ماده ۱۱۸۰ اصلاحی - طفل صغیر تحت ولایت قهری مادر و پدر خود

میباشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد .

ماده ۱۱۸۱ اصلاحی - هر يك از پدر و مادر نسبت به اولاد خود ولایت دارند.
ماده ۱۱۸۱ مكرر - اگر ارث یا مالی بفرزند برسد انتقال آن ارث یا مال از طرف پدر یا مادر بدیگری باید با اجازه دادستان باشد .

ماده ۱۱۸۲ اصلاحی - هر گاه طفل هم پدر و هم مادر داشته باشد ویکی از آنها محجور و یا بعللی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود .

ماده ۱۱۸۸ اصلاحی - هر يك از پدر و مادر بعد از وفات دیگری میتواند برای اولاد خود که تحت ولایت او میباشد وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگهداری و تربیت آنها مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید .

ماده ۱۱۸۹ اصلاحی - هیچيك از پدر و مادر نمیتواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند .

ماده ۱۱۹۰ اصلاحی - ممکن است پدر یا مادر بکسی که بسمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد از فوت خود برای مولی علیه بدهد .

ماده ۱۱۹۴ اصلاحی - پدر و مادر و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده میشود .

کتاب نهم در خانواده

فصل اول

در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۵ اصلاحی - احکام نفقه زوج همان است که بموجب مقررات این

قانون مقرر شده و یا بر طبق همین فصل مقرر میشود .

ماده ۱۱۹۹ اصلاحی- نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بانفاق بمعهد اجداد اعم از پدری و یا مادری است بارعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن اجداد و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است .

هر گاه مادر هم زنده نباشد و یا زنده باشد و قادر به انفاق نباشد نفقه بارعایت الاقرب فالاقرب بمعهد سایر خویشاوندان است و اگر چندین نفر از حیث درجه قرابت مساوی باشند نفقه را باید به حصه متساوی تادیه کنند

ماده ۱۲۰۱ اصلاحی- هر گاه یک نفر هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور بحصه متساوی تادیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلا فصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و مادر و اولاد او متساویاً تادیه کنند .

ماده ۱۲۰۶ مکرر- در دعوی نفقه به مجرد شکایت زن (در صورتیکه از خود در آمدی نداشته باشد) محکمه میتواند مقرر دارد که تا رسیدگی نهائی مقداری از درآمد شوهر به وی تعلق گیرد .

× × ×

ماده ۱۷۹ قانون جزا نسخ میشود .



